

معرفی مسیری در رویکرد اسلامی به مطالعه آسیب‌های اجتماعی:

تأملی در تجربه‌ها و مشکلات طرح پژوهشی

«جامعه‌شناسی کجروی: با نگرش اسلامی»^۱

علی سلیمی*

چکیده

طرح پژوهشی «جامعه‌شناسی کجروی: با نگرش اسلامی» از جمله پیشگامان مطالعه اسلامی آسیب‌های اجتماعی است. و بدین سبب، با شدت بیشتری، آماج تأملاتی بوده که در محورهای زیر فراروی محققان این عرصه است: کارآمدی و اثرگذاری حوزه و مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی در کشور، ویژگی‌ها و سطح مورد انتظار از محصولات پژوهش‌های اسلامی این حوزه، دانش‌ها و تخصص‌های اثرگذار در این پژوهش‌ها، نقطه شروع مناسب، رویکرد پژوهشی مؤثر، روش تحقیق یا فنون روشی متناسب با این مطالعات و معیارهای پایایی و روایی آنها و همچنین چگونگی پیوند مطالعات و یافته‌های اسلامی با مطالعات دانشگاهی این حوزه. جستار پیش رو، با بررسی تجربه‌ها و دریافت‌های این طرح، گزارشی را از فعالیت‌ها و یافته‌های آن ارائه کرده است. این تجربه‌ها و یافته‌ها، مسیری را برای پژوهش‌های اسلامی در علوم اجتماعی معرفی می‌کنند. و می‌توانند نقطه شروعی برای چالش درباره اجرای مؤثر و بهینه این پژوهش‌ها و به‌ویژه، رویکرد اسلامی به مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی باشند.

واژگان کلیدی: مطالعه (اسلامی) آسیب‌های اجتماعی، نظریه اسلامی کجروی، نظام کنترل اجتماعی اسلامی، آموزه‌های قرآنی/ حدیثی، تفسیر موضوعی (بیرونی)، تحلیل محتوای کیفی (ترکیبی)، مطالعه چندرشته‌ای، پژوهش نظری/ کاربردی.

۱. این طرح پژوهشی در گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، در حال اجرا است. و این مقاله، گزارشی علمی از تجربه‌ها و مسائل محتوایی، روشی و اجرایی آن است.

* استادیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ali_salimi@rihu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۸ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۲/۲۵

۱. مقدمه

چند سالی است که طرح پژوهشی «جامعه‌شناسی کجروی: با نگرش اسلامی» با محتوای مطالعات اسلامی در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی، در گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، آغاز و تکلیف‌هایی در این عرصه ادا شده است. نظر به وظیفه خطیری که در رویکرد اسلامی به مطالعات علوم اجتماعی، برای بیان کامل و شایسته دیدگاه‌های اسلامی و احراز و حفظ روایی برداشت‌ها، بر عهده محققان است، همکاران طرح پیوسته کوشیده‌اند در جهت شناسایی و تصحیح مسیر حرکت از نظرات بزرگان هر دو حوزه علوم اسلامی و اجتماعی بهره ببرند. لذا می‌توان گفت اصول اساسی مطالعات این طرح، تحت هدایت‌های این بزرگان حاصل آمده و پای‌بندی به آنها لازمه استمرار و ثمردهی بهینه علمی این‌گونه تلاش‌ها است. این اصول، در پاسخ به پرسش‌هایی بنیادین شناسایی شده‌اند که در طی مسیر تحقیق در برابر همکاران پدید آمده‌اند. و در ادامه، ذیل عنوان «مسئله» بیان خواهند شد.

سطور زیر، گزارش علمی مسیر طی شده در این طرح و ابعاد نظری و کاربردی مورد توجه در آن است که در قالب پاسخ به پرسش‌های یاد شده ارائه می‌شود. به نظر می‌رسد این پرسش‌ها و پاسخ‌هایی که برای آنها یافت شده است، مسیری را برای پژوهش‌های اسلامی در قلمرو علوم اجتماعی معرفی می‌کند. و می‌تواند نقطه شروعی برای چالش و نقد درباره چگونگی اجرای مؤثر و بهینه این پژوهش‌ها و، به‌ویژه، رویکرد اسلامی به مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی باشد. و، به همین سبب، در این مقاله به محضر مخاطبان فرهیخته عرضه شده است.

۲. مسئله

طرح پژوهشی «جامعه‌شناسی کجروی: با نگرش اسلامی» با این هدف آغاز شده است که محتوایی آموزشی را، با رویکرد اسلامی، برای درس «آسیب‌شناسی اجتماعی» در رشته جامعه‌شناسی ارائه کند. اما در مراحل گوناگون اجرا با پرسش‌های محتوایی و روشی بنیادین و همچنین خلأها و نارسایی‌های اجرایی متعددی، روبه‌رو شده است که، بی‌تردید، فراروی همه تحقیقاتی هستند که ذیل عنوان رویکرد اسلامی به مطالعات علوم اجتماعی، انجام می‌شوند.

همچنین این مشکلات و تدبیرهای اتخاذ شده برای حل آنها، آثار تعیین‌کننده‌ای در تعیین مسیر تحقیق و تغییر در ابعاد طرح داشته‌اند. از جمله، نگاه آن را به افقی وسیع‌تر، متوجه نموده‌اند. و آن را به پژوهشی بلندمدت، کلان و شامل بیش از هفتاد طرح فرعی نظری و کاربردی بدل ساخته‌اند که، دست‌کم، یکی از حوزه‌های معرفتی ضروری را در رویکرد اسلامی به مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی، پوشش می‌دهد. برخی از این پرسش‌ها و پاسخ‌های به دست آمده یا برگزیده برای آنها در محورهای زیر مطرح شده‌اند:

۲-۱. ویژگی‌های مطالعات بومی آسیب‌شناسی و ضرورت‌های ناشی از آنها در رویکرد اسلامی

ویژگی‌های حوزه مطالعاتی آسیب‌شناختی اجتماعی در کشور و ضرورت‌هایی که با وجود این ویژگی‌ها در فرایند شکل‌گیری یک حوزه مطالعاتی کارآمد و اثرگذار و، به‌ویژه، در پژوهش‌های اسلامی این حوزه مطرح می‌شود، از جمله نخستین دغدغه‌های همکاران طرح بود. و آنان را ناچار به تدبیر برای حل آنها کرد. در ادامه، به بخشی از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

یک. نبود دانش علمی معتبر «آسیب‌شناسی اجتماعی» و ضعف جدی مطالعات این حوزه در کشور (و، در نتیجه، ضرورت و فوریت تأسیس رشته‌های آموزشی و تربیت محققان و کارورزان مرتبط در حوزه و دانشگاه) که، هم‌زمان، با توجه به نکات زیر اثبات می‌شود:

دو. حیثیت چندرشته‌ای این حوزه و نیاز محققان به آگاهی هم‌زمان از دانش‌های متعدد؛^۱

سه. واحدهای درسی بسیار محدود در دانشکده‌های مرتبط در ایران، به‌ویژه، در مقایسه با درس‌های مرتبط با تخصص‌های متنوعی که در کشورهای دیگر در این حوزه ارائه می‌شود؛

چهار. انجام گرفتن بخش عمده‌ای از مطالعات اجتماعی بومی در دو حوزه جامعه‌شناسی و حقوق - که پیشینه معرفتی محتوایی و روشی آنها متفاوت و رویکرد آنها به کاربردهای این مطالعات، واگراست - و، در نتیجه، جدایی محققان و واگرایی ادبیات و تحقیقات موجود در کشور (وایت و هینز، ۱۳۹۰، ص ۱۴-۱۶؛ ۱۸-۲۲)؛

پنج. شمار اندک محققان متمرکز در این مطالعات، به سبب تعریف نشدن رشته تخصصی مرتبط (مثلاً، آسیب‌شناسی اجتماعی در حوزه جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی در حوزه حقوق)، کم بودن فرصت‌های شغلی مرتبط و نیز بالا نبودن منزلت اجتماعی این فرصت‌ها؛

شش. نوپا بودن رویکرد اسلامی به مطالعات علوم اجتماعی و تازه‌واردی و کم‌تجربگی تحقیقی در این عرصه که سبب شده است منابع و یافته‌های این رویکرد، اندک باشند. و محتواها و ظرفیت‌های علمی آن، به حد شایسته‌ای، بررسی و آشکار نشوند؛

هفت. نیاز این رویکرد به حضور و تعامل مؤثر محققان دو حوزه علوم اسلامی و اجتماعی، به سبب تفاوت‌هایی جدی که در پیشینه محتوایی و روشی این دو حوزه وجود دارد. و به فاصله‌ی واژگانی بین محققان آنها انجامیده است؛

۱. در این خصوص، محققان یادآور شده‌اند که حوزه‌های معرفتی متعددی به آسیب‌های اجتماعی پرداخته‌اند. و در بسیاری از آنها، دست‌کم یک نظریه در این زمینه ارائه شده است. از جمله، علوم زیستی، ژنتیک، پزشکی، پزشکی قانونی، روان‌پزشکی، روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، فلسفه، الهیات، اخلاق، انسان‌شناسی، حقوق، جامعه‌شناسی، اقتصاد، مردم‌شناسی، تعلیم و تربیت، تاریخ، مطالعات فرهنگی و حتی سیاست (وایت و هینز، ۱۳۹۰، ص ۶۰؛ داوونز و راک، ۱۹۹۸، ص ۱۰-۱۱؛ رایتزمن و دیگران، ۱۹۹۸، ص ۱۰۸؛ برای برخی مشکلات ناشی از این گوناگونی، ر.ک: سلیمی و داوری، ۱۳۸۷، ص ۴۰-۵۱).

هشت. حساسیت‌های دینی و فرهنگی خاصی که در کشور - همانند همه کشورهای - در زمینه پذیرش راهکارهای مقابله با آسیب‌های اجتماعی وجود دارد. محصول جایگاه زیربنایی آموزه‌های اسلامی در فرهنگ و نظام اعتقادی و ارزشی جامعه است. و از جمله، سبب شده است که منطبق بودن، یا، لااقل، تضاد نداشتن، این راهکارها با آموزه‌های اسلامی، شرط پذیرش آنها در فرایند سیاست‌گذاری و وضع قانون باشد (جمشیدی‌ها و سلیمی، ۱۳۸۷، ص ۴۲-۴۳)؛

ثُمَّ بررسی نشدن ابعاد و کارکردهای راهکارهای اسلامی در عرصه مقابله با آسیب‌های اجتماعی و بهینه‌سازی حیات فردی و اجتماعی و، در نتیجه، ناشناخته ماندن جایگاه آن راهکارها در سیاست‌های بومی که نقش مؤثری در تضعیف انگیزه سیاست‌گذاران و مدیران کشور در اجرای آنها در جامعه و کاهش اقبال علمی و عمومی به آنها داشته است و دارد.^۱

۲-۲. ویژگی‌های مورد انتظار از محصولات رویکرد اسلامی به مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی

از دیگر تأمل‌هایی که در مسیر اجرای طرح «جامعه‌شناسی کجروی: با نگرش اسلامی» مطرح شد، سطح علمی محصول قابل ارائه در ازای این طرح بود. این نکته، در سطحی کلی‌تر، در قالب این پرسش بیان می‌شد که محصولات مطالعات اسلامی در حوزه علوم اجتماعی - به‌ویژه، رویکرد اسلامی به مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی - باید در چه سطحی و با چه ویژگی‌هایی ارائه شوند؟ نکات آتی، بخشی از نکاتی هستند که در این خصوص، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در برابر این تأمل، به‌ویژه، دو نکته مورد توجه قرار گرفت. نخست، اینکه حوزه مطالعاتی آسیب‌شناسی اجتماعی در قلمرو علوم کاربردی تعریف می‌شود. و یافته‌های آن، پیوند وثیقی با سیاست‌گذاری اجتماعی دارد. و دیگر، حساسیت‌های دینی و فرهنگی بود که، چنان‌که گذشت، در عرصه سیاست‌گذاری کشور و در زمینه پذیرش راهکارهای مقابله با آسیب‌های اجتماعی وجود دارد. بر این اساس، به نظر رسید که، پیش از هر چیز، بخش قابل‌اعتنایی از یافته‌های این مطالعات باید بتوانند به خود اسلام منتسب شوند. و صرف آرای اندیشمندان مسلمان نباشند.^۲ در اینجا و، به‌ویژه، با توجه به نکاتی که خواهد آمد، آشکار شد که مراجعه به متون مقدس اسلامی - قرآن و

۱. در این خصوص، مثلاً، می‌توان از فریضة امر به معروف و نهی از منکر یاد کرد که، به‌رغم ویژگی‌های زیر، همچنان زمینه رسمیت یافتن اجرای آن در جامعه فراهم نیامده است: ریشه داشتن در فرهنگ دینی جامعه، برخورداری از پیشینه محکم تشریح دینی و سابقه تاریخی و اجرایی در کشور، معرفی در قانون اساسی به‌عنوان وظیفه‌ای همگانی و

۲. در این تلقی، یا تولید شدن علم در فضای تمدنی اسلامی را برای اسلامی دانستن آن کافی می‌شمرند (ر.ک: آزاد و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۲۶-۱۲۷)؛ و یا نسبت دادن یک موضع علمی را فقط به آرای اندیشمندان مسلمان - و نه خود آموزه‌های اسلامی - ممکن می‌دانند (ر.ک: دلال، ۱۳۸۶، ص ۶۷). برای پاسخ و نقد این تلقی نیز ر.ک: مصباح، ۱۳۷۲، ص ۱۳-۱۷؛ همو، ۱۳۷۷، ص ۲۸۵-۲۸۸.

روایت‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) و تکیه بر گزاره‌های موجود در این متون، راهی بنیادین برای دستیابی به این مهم است (سلیمی، ۱۳۹۳-۲، ص ۳-۴).

در این زمینه، همچنین به نظر می‌رسید تکیه کردن بر گزاره‌های قرآن و روایت‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) در رویکرد اسلامی به مطالعات علوم اجتماعی، راه مناسبی برای احراز نگاه اصالی و نیز علمی و اجتماعی آموزه‌های اسلامی به پدیده‌های انسانی و اجتماعی - به‌ویژه، آسیب‌های اجتماعی - است. و پاسخ‌هایی را به تردیدهایی که در این خصوص، ابراز می‌شود، فراهم می‌آورد (برای اشاره‌ای به این تردیدها، ر.ک: آخوندی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۵؛ پسندیده، ۱۳۸۶، ص ۸۸-۸۹). این در حالی است که وجود این نگاه و احراز آن، آثار و ویژگی‌های زیر را دارد:

یک. مقدمه‌گریزناپذیری است برای آنکه بشود رویکرد یاد شده را به اسلام، نسبت داد. و براساس آن، از همخوانی ایده‌ها و مفهومی‌های موجود در آموزه‌های اسلامی و علوم اجتماعی و نیز از ظرفیت این آموزه‌ها در شکل دادن به یک حوزه مطالعاتی و محصولات آن سخن گفت؛

دو. از نگاه اندیشمندان اسلامی، نقطه مقابل بیان استطرادی و تمثیلی قرآن از پدیده‌های طبیعی است که احراز همخوانی مفاهیم و ایده‌های قرآنی و علمی ناظر به آنها را مشکل می‌کند. و اعتبار تفسیرهایی را که این‌گونه مفاهیم و ایده‌ها را به قرآن نسبت می‌دهند به خطر می‌اندازد (ر.ک: مصباح، ۱۳۶۸، ص ۵۹؛ همو، ۱۳۷۲، ص ۱۸-۱۹؛ معرفت و رجبی، ۱۳۷۲، ص ۶-۷؛ مکارم، ۱۳۷۲، ص ۵-۶). لذا هم احراز آن در آموزه‌های اسلامی ممکن است. و هم مقدمه‌ای برای اعتبار

تفسیرهایی است که مفاهیم و ایده‌های متناظر با علوم اجتماعی را به آنها نسبت می‌دهند؛ سه. گامی مهم در شناخت و تدوین نظریه اجتماعی نسبت‌پذیر به این آموزه‌ها است (سلیمی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴-۱۲۵).

وانگهی، به سبب کاربردی بودن حوزه مطالعاتی آسیب‌شناسی اجتماعی به نظر می‌رسید که لازمه حضور مؤثر و ماندگار آموزه‌های اسلامی در این حوزه و همچنین احراز نگاه اصالی و علمی یاد شده، آن است که یافته‌های قابل استحصال از آنها در سه سطح زیر، قابل ارائه باشند:

یک. نظریه‌ای که به محورهای متفاوت تعریف و تبیین آسیب‌های اجتماعی و پیش‌بینی راهکارهای مقابله عنایت داشته و شامل همه ابعاد شناسایی شده از یک نظریه علمی^۱ باشد. در این باره، چنین فهم می‌شد که چون نظریه‌ها و بدنه گزاره‌ای آنها قلمرو مهمی از علوم هستند، ارائه چنین بدنه‌ای - به‌ویژه آنگاه که به شکل معتبری به اسلام منسوب باشد و روش معتبری نیز برای دستیابی به آن معرفی شود - موجودیت ملموسی را از سنخ علم اجتماعی اسلامی عرضه می‌کند.

۱. مثلاً، چهار قالب فرانظری، تحلیلی، قضیه‌ای و مدلی (بلیکی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۲-۲۰۵) یا سه لایه پیش‌فرض‌ها و مبانی، سازه‌های تحلیلی و قضایای نظری (جلبی، ۱۳۸۵، ص ۱۳-۱۴).

و زمینه را برای بحث درباره امکان و ابعاد این علم، دقت می‌بخشد (سلیمی، ۱۳۹۳-۲، ص ۶)؛ دو. شناسایی راهکارهای مقابله با آسیب‌های اجتماعی در قالب نظامی جامع، منسجم و کارآمد، به گونه‌ای که شامل مجموعه‌ای فراگیر از سیاست‌ها، راهبردها، برنامه‌ها و اقدام‌های کلان، میانه و خرد و همچنین محورها و ابعاد متنوعی باشد که در این عرصه‌ها شناسایی شده است. بتواند به نام نظام کنترل اجتماعی اسلامی معرفی شود. و به‌ویژه، در قلمرو سیاست‌گذاری اجتماعی کشور قابل عرضه باشد؛

سه. تنسيق راهکارهای مقابله با آسیب‌ها در پیوند با سبب‌شناسی و تبیین آنها که ذیل عنوان «پیوند نظر و عمل» یک ویژگی اساسی نظریه‌پردازی در قلمرو علوم کاربردی است. مزیت مهمی برای نظریه‌های این علوم شمرده می‌شود (بیات و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۵۵-۵۶؛ صفاری، ۱۳۸۰، ص ۲۷۷-۲۸۲) و، البته، حلقه گم‌شده‌ای در عرصه سیاست‌گذاری‌های بومی مقابله با آسیب‌های اجتماعی است (وایت و هینز، ۱۳۹۰، ص ۱۹).^۱

در این بخش همچنین دو نکته مهم دیگر مورد توجه قرار گرفت که لازمه علمی تأکید بر نسبت‌پذیری یافته‌ها به اسلام بود: نخست، ضرورت بهره‌گرفتن از علوم و تخصص‌هایی که اعتبار لازم برای انتساب به کلام خداوند و اهل بیت (علیهم‌السلام) را تأمین و تضمین کنند. و دوم، لزوم استفاده از روش تحقیقی که ظرفیت رعایت ضوابط این علوم و تخصص‌ها و احراز معیارهای روایی آنها را داشته باشد.

۲-۳. نقطه شروع مناسب در تحقیق

دغدغه دیگر، شناسایی نقطه شروعی مناسب برای تحقیق بود که، به‌ویژه، با لحاظ سطح علمی مورد انتظار از محصول آن مطرح گردید. پاسخ این دغدغه، مراجعه به گزاره‌های قرآن کریم و روایت‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) بود که در پی تأکید بر اهمیت نسبت‌پذیر بودن یافته‌ها به اسلام به دست آمد و همکاران را به این نقطه رهنمون شد. همچنین موارد زیر نشان دادند که تکیه بر این گزاره‌ها، هم ضرورت نسبت‌پذیری به اسلام را، به شکل اطمینان‌آوری، تأمین می‌کنند. و هم از جهات دیگری، مراجعه به آنها را در اولویت پژوهش قرار می‌دهد:

یک. قرآن و روایت‌های اهل بیت (علیهم‌السلام)، سرچشمه‌های اولی و اصیل آموزه‌های اسلامی و اصلی‌ترین منابع معرفت اسلامی هستند. و درونمایه‌های آنها، بالاترین سطح اعتبار را در نسبت‌پذیری به اسلام دارند؛

۱. این نکته بسان راهبردی بنیادین در آموزه‌های اسلامی مطرح شده و، از جمله، در حدیث زیر از امام سجاد (علیه‌السلام) آمده است: «آنکه دردش را نشناسد، دارویش تباهش می‌کند» (دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۲۹۹).

دو. این متون مقدس اسلامی، نقش مهم و مستمری در طرح مسئله و ایجاد بسترهای خردورزی در بین اندیشمندان مسلمان و جوامع اسلامی داشته‌اند. و شاخص مهمی در فهم آن بسترها و آرای این اندیشمندان به شمار می‌آیند (سلیمی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۶-۱۲۷)؛

سه. نتایج جستجو در قرآن و روایت‌های اهل بیت (علیهم‌السلام)، از یک‌سو، پاسخی علمی و عملی به تردیدهایی است که پیرامون توان و امکان ورود آموزه‌های اسلامی به حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی وجود دارد (همو، ۱۳۹۳-۲، ص ۳-۴). از سوی دیگر، توجه اندیشمندان و سیاست‌گذاران را به جایگاهی جلب می‌کند که باید در قلمرو سیاست‌گذاری‌های بومی مقابله با آسیب‌های اجتماعی برای آموزه‌های اسلامی قائل شد (جمشیدیها و سلیمی، ۱۳۸۷، ص ۴۵)؛

چهار. با توجه به حساسیت‌ها و مبانی خاص سیاست‌گذاری و وضع قانون در ایران، منسوب شدن یک تبیین یا راهکار کنترلی به آموزه‌های دینی، راه‌حلی برای مقبولیت آنها در عرصه سیاست‌گذاری است (سلیمی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۲-۱۳). زیرا، از یک‌سو با آن حساسیت‌ها و مبانی، سازگاری دارد. و از سوی دیگر، موانعی مانند تفاوت دیدگاه‌های علمی یا سیاسی محققان با سیاست‌گذاران را رفع می‌کند که به نظر داونز و راک (۱۹۹۸، ص ۳۲۷-۳۳۲) سبب شده است تا در بسیاری از کشورها، یافته‌های مطالعات آسیب‌شناسی را به‌عنوان منبع رسمی سیاست‌گذاری مقابله با آسیب‌ها به رسمیت نشناسند؛

پنج. حضور پررنگ و اثرگذار آموزه‌های اسلامی در تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه ایران، پیوند وثیقی را بین این آموزه‌ها و مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی این جامعه برقرار کرده است. تا آنجا که مثلاً، منابع ادب پارسی را، به سبب همین پیوند، جلوه‌هایی از حضور این آموزه‌ها در جامعه می‌دانند. این نکته، سبب می‌شود تا یافتن دیدگاه‌های این آموزه‌ها نوعی بومی‌سازی پژوهش نیز به شمار آید (جمشیدیها و سلیمی، ۱۳۸۷، ص ۴۲).

۲-۴. رویکرد مناسب برای تحقیق

در پی شناسایی نقطه شروع تحقیق، این پرسش مطرح شد که برای جستجو در این منابع، چه رویکردی مناسب است؟ از جمله گزینه‌های مطرح در این زمینه، سه رویکرد قیاسی، استقرایی و ترکیبی بودند.^۱ در پاسخ این پرسش، نکات زیر سبب شد که همکاران طرح، مراجعه به قرآن و

۱. رویکرد استقرایی براساس فهم شخصی محقق و بدون پیش‌فرض یا لحاظ چارچوب مفهومی یا نظری خاصی آغاز می‌شود. رویکرد قیاسی، تحقیق را با استفاده از دانش‌ها و یافته‌های تحقیقی پیشین، آغاز می‌کند. و کاربرد آن، زمانی توصیه می‌شود که دانش پیشینی قابل اتکایی پیرامون موضوع، وجود داشته باشد. رویکرد ترکیبی نیز ابتدا پرسش‌ها و روابط بین آنها را به شکل پیشینی و برحسب دانش پیرامون موضوع، تدوین می‌کند. و سپس برای شناسایی پرسش‌های

روایت‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) براساس پرسش‌های دانش موجود آسیب‌شناسی اجتماعی را نقطه آغاز بدانند. و برای ادامه تحقیق، رویکرد ترکیبی را برگزینند:^۱

یک. مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی در حالی آغاز می‌شوند که یک حوزه علمی رسمیت یافته در این عرصه وجود دارد. و این حوزه، دارای سه ویژگی مهم زیر است: حجم قابل اعتنایی از یافته‌های نظری و تجربی، زبان خاص و شناخته شده در دو قلمرو نظری و کاربردی و همچنین معیارهای روایی مختص به خود. این در حالی است که بهره‌گرفتن از هر یک از این ویژگی‌ها - که در رویکرد برگزیده در تحقیق، میسر می‌شود - ثمرات زیر را دارد:

دو. محققان اسلامی، مراجعه به قرآن و روایت‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) براساس پرسش‌های علمی را نوعی به خدمت گرفتن مفاهیم و یافته‌های علمی در تحلیل مفاد این متون و نتیجه‌رار رمزگشایی از ناشکفته‌های این متون، پیشرفت در فهم آنها و گسترش تحقیقات و معارف این عرصه می‌دانند (ر.ک: صدر، ۱۴۲۶، ص ۲۳-۲۴؛ اعرافی، ۱۳۷۹، ص ۲۲؛ رضایی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۴)؛

سه. در رویکرد اسلامی به مطالعات علوم اجتماعی، استفاده از یافته‌های این علوم را ارزشمند می‌دانند. و به‌ویژه، با اشاره به دو مزیت زیر در این یافته‌ها بر استفاده از آنها تأکید دارند: طرح بسیاری از پرسش‌های نیازمند به پاسخگویی و بیان روشن، دقیق و با ظرافت مسائل (مصباح، ۱۳۷۷، ص ۲۹۴-۲۹۵)؛

چهار. ارائه پاسخ‌های قرآن و روایت‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) به پرسش‌های علوم اجتماعی، نوعی برگردان پاسخ‌های اسلامی به زبان علوم اجتماعی است. این هم‌زبانی، مجرای مهمی برای ورود مطالعات اسلامی به جمع مطالعات این علوم و پیوند خوردن یافته‌های آنها با یکدیگر است؛ پنج. پیوند خوردن یافته‌های مطالعات اسلامی و علوم اجتماعی، آثار زیر را دارد: زمینه‌ساز گفتگوی مؤثر محققان حوزوی و دانشگاهی است؛ ارتباط مؤثری را بین مطالعات اسلامی و مخاطبان دانشگاهی و اجرایی آنها ایجاد می‌کند (سلیمی، ۱۳۹۳-۲، ص ۴). بستر مناسبی برای اعتبارسنجی - و اعتباربخشی - یافته‌های هر حوزه براساس معیارهای حوزه دیگر است^۲ که، در جای خود، عامل دیگری برای تحکیم این پیوندها به شمار می‌آید و زمینه‌ای برای هم‌افزایی دانشی این دو حوزه در مرحله عمل و پرهیز از آفت‌های موازی‌کاری و دوگانگی در این عرصه است.

جدید یا پالایش موارد اولیه به مطالعه استقرایی می‌پردازد (فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸، ص ۴۳). برای گزینه‌های دیگر در تعیین رویکرد تحقیق، ر.ک: سلیمی، ۱۳۹۳-۲، ص ۸۰-۸۲.

۱. این رویکرد، دو ثمره مهم را دارد: با مراجعه به دانش پیشین، روایی سازه‌های تحلیل را تأمین می‌کند؛ و با بسنده نکردن به این دانش، از احتمال سوگیری و تحمیل معنا به متن، دور می‌ماند (ر.ک: محسنی و سلیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۳).
۲. برای مثال، برخی اندیشمندان برآنند که: «با توجه به اینکه هر بخش از علوم و معارف اسلامی با تعدادی از علوم عقلی و تجربی مربوط می‌شود، هنگامی می‌توان برتری اسلام را در هر عرصه‌ای ثابت کرد که از جدیدترین نظریات مربوط به آن آگاه باشیم. و توان بررسی و ارزیابی و مقایسه آنها با نظرات اسلام را داشته باشیم» (مصباح، ۱۳۷۶، ص ۱۲۲).

۲-۵. دغدغه‌های اجرای تحقیق

افزون بر نکات یاد شده، در مراحل اجرایی تحقیق، تأملات محتوایی و روشی دیگری نیز مطرح گردیده و، در پاسخ به آنها، راه‌حل‌هایی اتخاذ شده است. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود: یک. چنان‌که گذشت، دغدغه نسبت‌پذیری یافته‌ها به اسلام، دو ویژگی را در تحقیق، ضرورت بخشید. نخست، حضور علوم و تخصص‌هایی که اعتبار انتساب به کلام خداوند و اهل بیت (علیهم‌السلام) را تأمین کند. و دوم، کاربرد روش تحقیقی که ظرفیت رعایت معیارهای روایی آنها را داشته باشد. در بخش نخست، آشکار بود که استفاده معتبر از گزاره‌های قرآن کریم و روایت‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) صرفاً با استفاده از علوم و تخصص‌های حوزوی مرتبط، ممکن است. و از این منظر، سبب می‌شد که این نوع ورود در مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی، اولویت کاری محققان آشنا با علوم اسلامی و اجتماعی باشد. استفاده از روش تحقیق مناسب و معتبر نیز در ذیل حیثیت چندرشته‌ای این مطالعات مورد توجه قرار گرفت که، در ادامه، به آن اشاره می‌شود؛

دو. حیثیت چندرشته‌ای مطالعه، در کنار اهمیت دو جنبه حوزوی و دانشگاهی آن، استفاده از تخصص‌ها و متخصصان حوزه‌های مختلف علوم اسلامی و اجتماعی را ضرورت می‌بخشید. بر این اساس، به نظر رسید انجام بهینه این مطالعات، نیازمند حضور و تعامل مؤثر محققان و متخصصان هر دو حوزه علمی و همچنین ایفای نقش محققان برخوردار از تحصیلات حوزوی و دانشگاهی به‌عنوان حلقه‌های پیوند این دو حوزه است؛

سه. ورود مطالعات اسلامی به حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی و، به‌ویژه، تفاوت روش‌های تحقیق و معیارهای روایی آن در این دو حوزه، سبب می‌شد که رعایت حیثیت چندرشته‌ای این مطالعات، اهمیت بیشتری بیابد. لازمه منطقی و گریزناپذیر این امر نیز آن بود که اعتبار روشی و روایی یافته‌های این مطالعات براساس معیارهای رشته‌های مرتبط هر دو حوزه علوم اسلامی و اجتماعی، احراز شود (محسنی و سلیمی ۱۳۹۱، ص ۱۵۳؛ سلیمی، ۱۳۹۳-۲، ص ۱۹)؛

چهار. آشکار بود که بخش عمده‌ای از گزاره‌های قابل استحصال از قرآن و روایت‌های اهل بیت (علیهم‌السلام)، صرفاً بدنه گزاره‌ای نظریه نسبت‌پذیر به آموزه‌های اسلامی را شکل می‌دهند. و مانند گزاره‌های نظریه‌های دیگر، باید براساس مبانی فراتجربی آن آموزه‌ها (یعنی، مبانی جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، ارزش‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی)، تحلیل و تفسیر شوند؛^۱

پنج. گزاره‌های اسلامی و گزاره‌های نظریه‌ها و یافته‌های مطالعات متعارف آسیب‌شناسی اجتماعی در درون چارچوب‌های فکری یا پارادایم‌های متفاوتی ابراز شده‌اند و بر مبانی فراتجربی

۱. این مبانی، معانی خاصی به گزاره‌ها، مفهوم‌های به کار رفته در آنها و روابط بین آن مفهوم‌ها می‌دهند. و با تمیز آنها از تحلیل‌های دیگر، محتوا و مرزهای دیدگاه‌های اسلامی را دقت می‌بخشند (ر.ک. سلیمی، ۱۳۹۳-۲، ص ۱۱۶-۱۲۴).

متباینی تکیه دارند. این نکته، احتمال ناهمخوانی مفهوم‌ها و درونمایه‌های این گزاره‌ها و همچنین این تردید را تقویت می‌کند که نتوان ارتباط مؤثری بین آنها برقرار کرد. این تردید، عملاً به معنای مناسب نبودن رویکرد برگزیده برای تحقیق بود. پاسخ مشکل، با تأمل در سه نکته زیر به دست آمد:

- بخش قابل توجهی از گزاره‌های قرآنی و حدیثی، ناظر به واقع هستند و، در نتیجه، مفهوم‌ها و واژگان موجود در آنها می‌توانند با واژگان و مفاهیم علوم اجتماعی همخوانی داشته باشند (سلیمی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۰):

- هرچند یک نظریه یا نظریه‌پرداز از چشم‌انداز خاص و با مبانی خاص خود، موضوعی را تحلیل می‌کند. اما همان موضوع می‌تواند برای نظریه‌ها یا نظریه‌پردازانی که چشم‌اندازها و مبانی متمایزی دارند نیز مطرح شود (ر.ک: جلالی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲، ۱۲۲):

- امروزه این را پذیرفته می‌دانند که پرسش‌ها و ایده‌های متعلق به پارادایم‌های مختلف می‌توانند همگرا یا همخوان باشند و با هم جمع آیند (بوریل و مورگان، ۱۳۸۳، ص ۱۴۱-۱۴۶). برخی نیز از پراکنده‌گزینی (eclecticism) شماری از نظریه‌های معاصر کجروی یاد کرده و توجه داده‌اند که آنها، بینش‌های خود را از سنت‌های نظری متمایزی گرد آورده‌اند (وایت و هینز، ۱۳۸۳، ص ۳۵۱).

۳. فعالیت‌ها و یافته‌ها

سطور زیر گزارشی از گام‌هایی بسیار ابتدایی است که همکاران طرح در مسیر اجرای تحقیق و برطرف کردن دغدغه‌های آن برداشته‌اند:

یک. گام برداشتن در مسیر تدوین بدنه گزاره‌ای نظریه اسلامی کجروی در قالب یافتن پاسخ‌های آموزه‌های اسلامی به پرسش‌های ده رویکرد نظری معتبر و ماندگار حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی که عبارت هستند از رویکردهای گزینش عقلانی، ساختی، تضاد، پاره‌فرهنگی، کنش متقابل، کنترل، یادگیری، مبادله، پدیدارشناسی و بزه‌دیده‌شناسی.

در اینجا، بررسی‌ها دو نکته مهم زیر را آشکار ساختند:

نخست آنکه، آموزه‌های اسلامی، تحقق رسالتی را که در زمینه هدایت انسان‌ها و تعالی بخشیدن به حیات فردی و اجتماعی آنها دارند، در پرتو شناخت ویژگی‌ها، پدیده‌ها و مسائل انسانی و اجتماعی و نیز آسیب‌شناسی هر دو سطح حیات او ممکن می‌شمرند. و هدایت را نوعی مدیریت تهدیدها و فرصت‌های این عرصه‌ها و آموزش آنها به افراد می‌دانند. از این‌رو، درونمایه‌های شایان توجهی را در تحلیل و تبیین آن پدیده‌ها و مسائل، و آسیب‌شناسی حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها و معرفی راهکارهای مقابله با آسیب‌ها دارند (سلیمی، ۱۳۹۳-۲، ص ۱۱۵).

دیگر آنکه، گزاره‌های قابل استحصال از قرآن و روایت‌های اهل بیت (علیهم‌السلام)، ویژگی‌های زیر را

دارند. وجود این ویژگی‌ها نیز نشان می‌دهد که آنها قادرند رویکرد یا نظریه مستقلی را به خردورزی‌های حوزوی و دانشگاهی، عرضه کنند. نظریه‌ای که جامع الاطراف، روزآمد، دارای معیارهای پذیرش در علوم اسلامی و اجتماعی و ناظر به هر دو عرصه نظر (تبیین) و عمل (سیاست‌گذاری و اقدام) است (همو، ۱۳۹۳-۲، ص ۴-۵، ۸۸-۸۹، ۱۰۷؛ همو، ۱۳۸۹، ص ۳۵؛ همو، ۱۳۸۶، ص ۱۶۰-۱۶۱؛ همو، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳-۱۵۴):

۱. ناظر به وقایع خارجی هستند؛
۲. در کنار نگاه ارزشی و تجویزی به آسیب‌های اجتماعی، نگاهی اصالی و عنایت قابل قبولی به مسائل نظری و کاربردی مرتبط با موضوع تحقیق و تحلیل‌هایی واقع‌گرایانه از آنها دارند؛^۱
۳. با تفصیل و جزئی‌نگری قابل قبولی به مسئله پرداخته‌اند. و از مفهوم‌هایی کمیّت‌پذیر، بهره گرفته‌اند؛
۴. حجم قابل توجهی از اطلاعات ناظر به موضوع را در خود دارند؛^۲
۵. نگاهی فرابخشی به آسیب‌های اجتماعی دارند. و پاسخ‌های تفصیلی و مناسبی را به همه مسائل و پرسش‌های موجود در ده حوزه یاد شده، ارائه می‌دهند؛^۳
۶. شناخت‌های نوی را در پاسخ به این پرسش‌ها فراهم می‌آورند؛^۴
۷. انسجام و همگرایی مضمونی و ساختاری لازم را -به‌ویژه، برای تنسيق یک نظریه- دارند؛^۵
۸. به فرایندهای کلی زندگی اجتماعی، ارائه تصویری کلی از مجموع پدیده‌های اجتماعی و

۱. برای مثال، در سطوح فردی، میان‌فردی و جمعی، تعریف‌هایی فارغ از ارزش‌گذاری از کجروی دارند. ارتباط علی عوامل متعلق به هر سه سطح را با آسیب‌های اجتماعی و بزه‌دگی از آنها بررسی و تحلیل کرده‌اند. به دوسویه بودن این روابط، و همچنین سازوکارها و شبکه‌های ارتباطی بین آنها پرداخته‌اند و ...
۲. صاحب‌نظران تحلیل محتوای کیفی، وجود این ویژگی در یک متن را شرط مناسب بودن آن برای تحلیل می‌دانند (کرپیندورف، ۲۰۰۴، ص ۹۹، ۱۱۲-۱۱۶؛ فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸، ص ۴۳؛ وایت و مارش، ۲۰۰۶، ص ۳۶).
۳. این نکته، از جمله، سبب شد تا مطالعات در قالب بررسی پاسخ‌های قرآن به پرسش‌های هریک از این حوزه‌ها انجام یافته‌ها به‌عنوان قطعه‌هایی از نظریه قرآنی کجروی و بزه‌دگی، ارائه شوند. ر.ک: سلیمی، ۱۳۸۵؛ ۱۳۸۶؛ ۱۳۸۹؛ ۱۳۹۳ (۱، ۲)؛ ۱۳۹۵؛ ۱۳۹۶؛ جمشیدیها و سلیمی، ۱۳۸۷؛ سلیمی و همکاران، ۱۳۸۸؛ محسنی و همکاران، ۱۳۹۱.
۴. برای نمونه، می‌توان به تحلیل جامع، چندسطحی و تلفیقی قرآن از «نفاق» اشاره کرد. به‌ویژه آنکه یک بعد شایان توجه در این تحلیل، ارجاع این پدیده به علل ساختی است. حال آنکه جستجوها نشان می‌دادند که در ادبیات موجود علوم اجتماعی، چنین مضمونی صرفاً در حوزه‌های روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و ارتباطات و در سطوح خرد و میانه مطرح است. و تنها در متون اسلامی، به‌عنوان یک آسیب یا مسئله اجتماعی و با ارجاع به علل ساختی، مورد توجه قرار گرفته است (ر.ک: محسنی و همکاران، ۱۳۹۱؛ سلیمی، ۱۳۹۳-۲، ص ۱۵۸-۱۸۵).
۵. نمونه این ظرفیت را بررسی دیدگاه قرآن درباره مناسبات علی کجروی و بزه‌دگی و در پاسخ به پرسش‌های چهار حوزه نظری ساختی، تضاد، پاره‌فرهنگی و بزه‌دیده‌شناسی نشان داده است. این در حالی است که سه حوزه نخست، در قلمرو جامعه‌شناسی کجروی، رویکردهای نظری مستقلی هستند. و بزه‌دیده‌شناسی نیز خاستگاه نسبتاً مستقل و مجزایی داشته و، چنان‌که گذشت، یافته‌های آن همچنان توانسته‌اند با تبیین‌های کجروی، یک کاسه شوند. نتایج این بررسی در قالب بخشی از یک رساله دکتری و سه مقاله مستقل ارائه شدند. و نشان دادند که در قرآن مضمون‌های متعلق به سه حوزه تحلیل خرد، میانه و کلان، به خوبی، با یکدیگر تلفیق شده‌اند. به همین شکل، همگرایی و انسجام یافته‌ها به حدی بود که نشان می‌داد می‌توانند در قالب یک نظریه یکپارچه ارائه شوند. در حال حاضر، این یافته‌ها در قالب طرحی با عنوان «نظریه قرآنی کجروی و بزه‌دگی: رویکرد کلان» در دست تدوین هستند.

روابط متقابل آنها و دست یافتن به روندهای اجتماعی-تاریخی و اصول کلی حاکم بر جوامع با تاریخ توجه دارند.^۱ و هم‌زمان، به توضیح و تبیین پدیده‌ها و واقعیت‌های اجتماعی آزمون‌پذیر و قابل مشاهده در تجربه اجتماعی و زندگی علمی و روزمره می‌پردازند.^۲

دو. شناسایی روش تحقیقی که استنباط از گزاره‌های قرآنی و روایت‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) را ممکن و پایایی و روایی یافته‌ها را با تکیه بر معیارهای مقبول در هر دو حوزه علوم اسلامی و اجتماعی، تأمین کند. حاصل این تلاش، شناسایی دو روش تفسیر موضوعی (رویکرد بیرونی) و تحلیل محتوای کیفی (رویکرد ترکیبی) و حاصل آمدن این یافته است که با ظرفیتی که این دو روش در رعایت ضوابط و استفاده از مزایای یکدیگر دارند، می‌توانند هم‌زمان در مطالعات اسلامی در علوم اجتماعی به کار آیند. و روایی چندرشته‌ای تحقیق را تأمین کنند (ر.ک: محسنی و سلیمی، ۱۳۹۱؛ سلیمی، ۱۳۹۳-۲، ص ۶۹-۱۱۲؛ همو، ۱۳۹۷)؛^۳

سه. بازخوانی و معرفی راهکارهای اسلامی مقابله با آسیب‌های اجتماعی براساس واژگان و قالب‌های شناخته شده در علوم اجتماعی که، از جمله، عبارتند از: راهبردهای پیشگیری، درمان و توان‌بخشی، مجازات، رویکردهای کجرومحور، بزه‌دیده‌محور، موقعیت‌محور، اجتماع‌محور و سازوکارهای درونی، بیرونی، رسمی، غیررسمی کنترل اجتماعی.^۴ در انجام این بخش از مطالعه، به‌ویژه، دو محور زیر مورد توجه بوده‌اند:

- بررسی چگونگی پیوند راهکارهای مقابله با آسیب‌ها با علل شناسایی شده برای آنها؛ برای نمونه این تلاش، با محتوای بررسی پیوند راهکارهای اسلامی پیشگیری با عقبه تبیینی آنها (ر.ک: جمشیدیها و سلیمی، ۱۳۸۷)؛

- معرفی راهکارها و ویژگی‌های آنها به شکلی که با ادبیات متعارف در عرصه فرهنگ‌سازی و سیاست‌گذاری، همخوان و در این عرصه قابل عرضه و پذیرش باشند؛^۵

۱. برای همخوانی این مضمون با مفهوم «نظریه کلان‌نگر»، ر.ک: دوروزه، ۱۳۶۲، ص ۲۸۹؛ بلیکی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۰.
۲. برای همخوانی این مضمون با مفهوم «نظریه برد متوسط»، ر.ک: همان‌جا. این ویژگی نشان داده است که نظریه برگرفته از این گزاره‌ها هم می‌تواند از مطالعه اسنادی، حاصل آید (صادقی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴، ص ۶۲-۶۳). و هم راهنمای مطالعات تجربی باشد (بلیکی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۳). و گستره متغیرها و سطوح شایان توجه در تحلیل را به آنها یادآور شود. و از این منظر نیز، برای مطالعات موضوع بحث، ارزشمند باشد. نمونه این نگاه قرآنی با محتوای تبیین پدیده نفاق از دیدگاه قرآن، در منبع زیر قابل مشاهده است: محسنی و همکاران، ۱۳۹۱. همچنین ر.ک: مهدوی و بستان، ۱۳۹۱، ص ۷۵.
۳. کارایی این روش، تاکنون در خلال ۱۸ تحقیق بررسی شده است. و در قالب‌های متفاوتی چون انجام طرح تحقیقی، تدوین کتاب و مقاله و هدایت پایان‌نامه‌های دانشجویی از اشراف، هم‌فکری، هدایت و نقد محققان همکار، استادان راهنما، مشاور و داور پایان‌نامه و داوران کتاب و مقاله برخوردار بوده است.
۴. نمونه این کار، رساله دکتری با عنوان الگوی قرآنی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است که به‌عنوان یکی از اجزای طرح «جامعه‌شناسی کجروی: با نگرش اسلامی» در گروه قرآن‌پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در دست اجراست.
۵. از جمله این گام‌ها می‌توان به تدوین کتاب نماز و سازوکارهای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی: ... (داوری و سلیمی، ۱۳۹۶) و همچنین طرح در دست اجرای دیگری اشاره کرد که محتوای آن بازخوانی اجتماعی امر به معروف و

چهار. وارد کردن راهکارهای اسلامی مقابله با آسیب‌های اجتماعی و ظرفیت‌های اجتماعی مرتبط با آنها در عرصه اجرا؛

پنج. اقدام در جهت طراحی الگویی تبیینی کاربردی برای مقابله با آسیب‌های خاص، با بهره گرفتن از تخصص‌ها و متخصصان رشته‌های مختلف علوم اسلامی و اجتماعی.^۱

۴. نتایج و پیشنهادهای

تحقیقات انجام شده در ذیل طرح «جامعه‌شناسی کجروی: با نگرش اسلامی» همچنان در آغاز راه هستند. و از کاستی‌های متعددی که، به‌ویژه، پژوهش‌های نوین را تهدید می‌کنند،^۲ در امان نبوده‌اند و نیستند. از جمله آنکه به سبب محدودیت‌های اجرایی و مشکلات روشی، عمدتاً به بررسی دیدگاه‌های قرآنی و آرای تبیینی محدود مانده‌اند. یافته‌ها ناظر به مضمون‌های کلی و ماندگار آسیب‌شناسی اجتماعی هستند. و تمایزهای جزئی دیدگاه‌های اسلامی را با آرا و یافته‌های این حوزه، روشن نمی‌کنند.^۳ و... .

با این حال، به نظر می‌رسد که تجربه‌ها و یافته‌های حاصل آمده در این تحقیقات، آورده‌های زیر را به مطالعات اسلامی آسیب‌شناسی اجتماعی عرضه می‌کنند. و بدین شکل، مسیری قابل تأمل را فراروی این مطالعات و همچنین دیگر پژوهش‌های اسلامی در حوزه علوم اجتماعی، قرار می‌دهند. این آورده‌ها همچنین می‌توانند نقطه شروع مناسبی برای چالش و نقد درباره چگونگی اجرای مؤثر و بهینه مطالعات مورد نظر باشند. برخی از آنها به شرح زیر هستند:

۱. نهی از منکر و معرفی جایگاه و کارکردهای کنترلی، سازوکارها و موانع تحقق و اثرگذاری این دو فریضه و هدف زمینه‌سازی فرهنگ‌سازی و ترویج آنها در جامعه و معرفی مؤثر آن به عرصه سیاست‌گذاری اجتماعی کشور است. این اقدام در قالب طراحی و ارائه (متأسفانه بدون اقبال) طرحی پژوهشی برای مقابله با روسپی‌گری در کشور انجام گرفت. در این طرح، حضور تیمی متشکل از متخصصان حوزه‌های مرتبط (از تخصص‌های دانشگاهی پزشکی، روان‌پزشکی، جامعه‌شناسی، آسیب‌شناسی اجتماعی، جرم‌شناسی، حقوق، روان‌شناسی، علوم تربیتی، مدیریت، سیاست‌گذاری فرهنگی و برنامه‌ریزی راهبردی گرفته تا محققان حوزه‌های رشته‌ها و تخصص‌های حوزه‌های تفسیر، حدیث، فقه، سیره و کلام) و نیز بخش افتا در دفتر مراجع معظم تقلید پیش‌بینی شده بود تا یافته‌ها با تکیه پاسخ‌های دانشگاهی و دینی به پرسش‌ها و مسائل علوم مختلف درباره این آسیب به دست آیند. به تأیید مجتهدان برسند. و سرانجام، برای ارائه مؤثر به مجامع سیاست‌گذاری از پشتوانه فتوا برخوردار گردند.
۲. مثلاً، به‌رغم گذشت چند دهه از شکل‌گیری رشته‌های پژوهشی، محققان به وجود مشکلاتی مانند موارد زیر در این حوزه مطالعاتی اشاره دارند: وجود دیدگاه‌های واگرا، جوان بودن نظریه‌ها و انتقادات متعدد و بی‌پاسخ آنها، روشن نشدن پیوندها و یک کاسه نشدن آنها با تبیین‌های کجروی و نیز کمبود و ضعف در مبانی، منابع، داده‌ها، روش‌ها و روش‌شناسی و مطالعات تجربی و میدانی (سلیمی، ۱۳۹۶، ص ۲۴؛ به نقل از ویلسون، ۲۰۰۹، ص ۳۰۰؛ راک، ۲۰۰۲، ص ۱۱-۱۳؛ کترین، ۱۳۸۲، ص ۲۶۲-۲۷۴؛ عبدالفتاح، ۱۹۹۱، ص ۱۱۲-۱۳۰، ۳۴۷-۳۴۹؛ همو، ۱۳۷۸، ص ۱۱۶-۱۲۰).
۳. انتخاب مضمون‌های کلی و ماندگار آسیب‌شناسی اجتماعی، به سبب برخوردار بودن آنها از پشتوانه علمی کافی و وفاق نسبی بوده است. این ویژگی، این فرصت را به تحقیقات انجام شده داده است که از تکیه بر یافته‌های علمی غیرقطعی در فهم آیات - که آن را تهدیدی برای تفسیر قرآن می‌دانند - دور بمانند (دلایل، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴؛ باقری، ۱۳۸۸، ص ۸۶-۸۸، ۱۰۰). لذا، این انتخاب، از یک سو، برای مراحل آغازین تحقیق مناسب بوده است. از سوی دیگر، سبب مشخص شدن ابعاد و خطوط کلی رویکرد قرآنی شده و بدین شکل، مسیری را برای پژوهش‌های آتی، ترسیم کرده است (سلیمی، ۱۳۹۵، ص ۲۸؛ همو، ۱۳۹۶، ص ۴۱).

یک. دانش‌ها و تخصص‌های اثرگذار در این مطالعات و همچنین راه‌هایی برای بهره‌گیری هم‌زمان و مؤثر از آنها، شناسایی و معرفی شده است؛

دو. مراجعه به قرآن و روایت‌های اهل‌بیت (علیهم‌السلام) براساس مسائل و پرسش‌های مطالعات آسیب‌شناختی اجتماعی، به‌عنوان یک رویکرد و یک بستر پژوهشی نو و ارزشمند به این حوزه، معرفی و مسیری برای ورود در این عرصه‌شناسایی شده است. همچنین آشکار شده است که اتخاذ این رویکرد در تحقیق، نتایج شایان توجه زیر را در بر دارد:

- ظرفیت آموزه‌های اسلامی، در دو عرصه نظر و عمل، شناسایی و به‌عنوان گامی در مسیر نظریه‌پردازی دینی در علوم اجتماعی به حوزه مطالعاتی آسیب‌شناسی اجتماعی - و به‌ویژه، مطالعات بومی این حوزه - معرفی می‌شود؛

- مجال بهره‌گیری مستمر، مؤثر و هم‌زمان از دانش‌ها و یافته‌های علوم اجتماعی و اسلامی در این مطالعات فراهم می‌آید؛

- با ایجاد موضوع بحث مشترک و پیوند دادن دانش‌ها و یافته‌های علوم اسلامی و اجتماعی، زمینه‌ای برای گفتگوی مؤثر مجامع حوزوی و دانشگاهی، ایجاد فهم متقابل در اندیشوران دو حوزه و تبادل معرفتی بین دو حوزه فراهم می‌شود.^۱

سه. توجه مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی - به‌ویژه، مطالعات اسلامی این حوزه - به حیثیت چندرشته‌ای این مطالعات، ضرورت رعایت و حفظ این حیثیت و همچنین به روش تحقیق و فنون روشی‌ای جلب شده که قادر است این حیثیت را رعایت نماید. استنباط معتبر از گزاره‌های قرآنی و روایت‌های اهل‌بیت (علیهم‌السلام) را ممکن سازد. و پایایی و روایی یافته‌های تحقیق را با تکیه بر معیارهای مقبول در علوم اسلامی و اجتماعی، تأمین کند؛

چهار. به منظور شناسایی جایگاهی که آموزه‌های اسلامی می‌توانند در قلمرو سیاست‌گذاری‌های بومی مقابله با آسیب‌های اجتماعی داشته باشند، مسیرهایی در دو محور مهم زیر شناسایی و گام‌هایی برخوردار از توفیق‌هایی نسبی در این راستا برداشته شده است:

- بازخوانی و معرفی راهکارهای اسلامی مقابله با آسیب‌های اجتماعی براساس واژگان و قالب‌های مرسوم علوم اجتماعی؛

- وارد کردن راهکارها و ظرفیت‌های اسلامی مقابله با آسیب‌های اجتماعی در عرصه اجرا.

۱. نمونه‌های این کار که در این تحقیق، انجام شده‌اند عبارتند از: تدوین کتاب هم‌نشینی و کجروی: نگاهی به دیدگاه‌های اسلامی و یافته‌های اجتماعی با همکاری محققان دو حوزه علوم قرآنی و جامعه‌شناسی، پژوهش در دست‌انجامی «گزاره‌های دینی و آثار برجسب‌زنی بر کجروی» با همکاری محققان دو حوزه علوم حدیث و جامعه‌شناسی و رساله دکتری در دست‌انجامی اجرای الگوی قرآنی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی که با راهنمایی دو استاد علوم قرآنی و جامعه‌شناسی در گروه قرآن‌پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در دست‌انجامی است.

- پنج. یافته‌هایی که در مراحل متعدد تحقیق به دست آمده‌اند، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های آموزه‌های اسلامی را در محورهای بنیادین زیر، نشان می‌دهند:
- ارائه یک نظریه علمی فراگیر و روزآمد (با نگاه توأمان به فرایندهای کلی حیات و واقعیت‌های آزمون‌پذیر و تحلیل‌های ناظر به سطوح مختلف جمعی، میان‌فردی و فردی)؛
 - معرفی راهکارهای مقابله با آسیب‌های اجتماعی در قالب یک نظام کنترل اجتماعی سبب‌محور، جامع، منسجم، روزآمد، کارآمد و قابل ارائه در عرصه فرهنگ‌سازی و سیاست‌گذاری؛
 - ارائه شناخت‌های نو به دو عرصه تبیین آسیب‌های اجتماعی و مقابله با آنها؛
 - هدایت و بهینه‌سازی مطالعات تجربی بومی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. آخوندی، محمدباقر (۱۳۸۵)، «روشی نو در پژوهش‌های جامعه‌شناختی در قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۴۸، ص ۲۰۴-۲۱۷.
۲. آزادارمکی، تقی؛ حسین ابوالحسن تنهایی؛ سیدکاووس سیدامامی؛ ابراهیم فیاض و ناصر فکوهی (مصاحبه) (۱۳۸۹)، «جستاری نظری بر امکان طرح جامعه‌شناسی دینی (۲)»، مطالعات فرهنگی و اجتماعی، مصاحبه‌گر کریم خان محمدی، پیش ش ۲، ص ۱۲۵-۱۴۶.
۳. اعرافی، علیرضا (۱۳۷۹)، «روش‌شناسی استنباط آموزه‌های تربیتی در آینه سیره و کلام امام علی (علیه السلام)»، تربیت اسلامی، ش ۴، ص ۱۵-۲۶.
۴. باقری، علی‌اوسط (۱۳۸۸)، «مجاری تأثیر پیش‌دانسته‌های مفسر در تفسیر قرآن»، قرآن‌شناخت، س ۲، ش ۲، ص ۷۳-۱۱۰.
۵. بلیکی، نورمن دبلیو. اچ. (۱۳۸۴)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیلان، تهران: نشر نی.
۶. بوریل، گیسون، گارت مورگان (۱۳۸۳)، نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان، ترجمه محمدتقی نوروزی، تهران: سمت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۷. بیات، بهرام؛ جعفر شرافتی‌پور و نرگس عبدی (۱۳۸۷)، پیشگیری از جرم: بارویکرد اجتماع‌محور، تهران: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی.
۸. پسندیده، عباس (۱۳۸۶)، «درآمدی بر روش‌شناسی فهم معارف روان‌شناختی از احادیث»، علوم حدیث، ش ۱۲ (۳-۴)، ص ۸۸-۱۰۹.
۹. جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۷)، «با نظریه‌های گوناگون جامعه‌شناسی چگونه روبه‌رو شویم؟ با اشاره به چارچوب‌های نظری پایان‌نامه‌های دانشجویی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۳، ص ۹۹-۱۳۰.
۱۰. جمشیدیها، غلامرضا و علی سلیمی (۱۳۸۷)، «پیشگیری از جرم در پیشینه تفکر اسلامی»، در محمد فرجیها و رحمت‌الله صدیق سروستانی، پیشگیری از جرم بارویکرد جامعه‌شناختی (مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم)، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ص ۴۱-۸۶.

۱۱. چلبی، مسعود (۱۳۸۵)، تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی.
۱۲. داوری، محمد و علی سلیمی (۱۳۹۶)، نماز و سازوکارهای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، تهران: ستاد اقامه نماز و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. دلّال، احمد (۱۳۸۶)، «علم و قرآن»، قرآن و علم، ترجمه محمدجواد اسکندرلو، بررسی و نقد محمدعلی رضایی اصفهانی، قرآن و علم، س ۱، ش ۱، ص ۶۱-۱۳۵.
۱۴. دوورژه، موريس (۱۳۶۲)، روش‌های علوم اجتماعی، ترجمه خسرو اسدی، چ ۲، تهران: امیرکبیر.
۱۵. دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن (۱۴۰۸)، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، چ ۱، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیه‌السلام).
۱۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۸)، «تفسیر علمی قرآن از دیدگاه مفسران شیعه»، شیعه‌شناسی، د ۷، ش ۲۶، ص ۱۴۷-۱۸۲.
۱۷. سلیمی، علی (۱۳۸۵)، «گزاره‌های دینی و طبیعت اجتماعی کجروی»، مجله انجمن معارف اسلامی، س ۲، ش ۴، ص ۱۲۳-۱۶۰.
۱۸. سلیمی، علی (۱۳۸۶)، «جستجوی درونمایه‌های یک نظریه اجتماعی کجروی براساس آموزه‌های قرآنی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلّم (ویژه‌نامه علوم اجتماعی ۳)، ش ۵۶-۵۷، ص ۱۲۹-۱۸۱.
۱۹. سلیمی، علی (۱۳۸۹)، «درونمایه‌های یک نظریه ارتباطات میان‌فرهنگی در آموزه‌های قرآنی»، اسلام و علوم اجتماعی، س ۲، ش ۴، ص ۷-۳۸.
۲۰. سلیمی، علی (۱۳۹۳-۱)، «پیوندهای قدرت و کجروی: الگویی تلفیقی براساس آموزه‌های قرآنی»، اسلام و علوم اجتماعی، س ۶، ش ۱۲، ص ۲۷-۶۲.
۲۱. سلیمی، علی (۱۳۹۳-۲)، تحلیل‌های ساختی و تضاد در نظریه قرآنی کجروی: براساس آرای تفسیری شیعه، رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۲. سلیمی، علی (۱۳۹۵)، «تحلیل پاره‌فرهنگی در نظریه قرآنی کجروی»، اسلام و علوم اجتماعی، س ۸، ش ۱۵، ص ۵-۳۴.
۲۳. سلیمی، علی (۱۳۹۶)، «رویکرد بزه‌پدیدشناسی در نظریه قرآنی کجروی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، س ۸، ش ۴ (۳۲)، ص ۲۳-۴۴.
۲۴. سلیمی، علی (۱۳۹۷)، «کاربرد تحلیل محتوای کیفی در استخراج تحلیل‌های اجتماعی قرآن کریم: گزارشی تحلیلی از روش یک تحقیق»، روش‌شناسی علوم انسانی، د ۲۵، ش ۹۷، ص ۷۵-۹۹.

۲۵. سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی کجروی (مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی: کتاب ۱)، ویراست ۲، چ ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۶. سلیمی، علی؛ محمود ابوترابی و محمد داوری (۱۳۸۸)، همنشینی و کجروی: نگاهی به دیدگاه‌های اسلامی و یافته‌های اجتماعی (مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی: کتاب ۳)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سازمان فرهنگی-اجتماعی شهرداری تهران.
۲۷. صادقی فسایی، سهیلا و ایمان عرفان‌منش (۱۳۹۴)، «مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی، مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی»، راهبرد فرهنگ، ۸، ش ۲۹، ص ۶۱-۹۱.
۲۸. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۶)، المدرسة القرآنية: یتوی علی التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم و بحوث فی علوم القرآن و مقالات قرآنیة، قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیة للشهید الصدر.
۲۹. صفاری، علی (۱۳۸۰)، «مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم»، تحقیقات حقوقی، ش ۳۳-۳۴، ص ۲۶۷-۳۲۱.
۳۰. محسنی تبریزی، علیرضا و علی سلیمی (۱۳۹۱)، «تحلیل محتوای کیفی قیاسی و بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی در علوم اجتماعی»، روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۱۸ (۷۲)، ص ۱۳۵-۱۵۸.
۳۱. محسنی تبریزی، علیرضا؛ محمود رجبی و علی سلیمی (۱۳۹۱)، «تبیین اجتماعی نفاق: الگویی تلفیقی براساس آموزه‌های قرآنی»، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، س ۲، ش ۲، ص ۱۱۱-۱۵۱.
۳۲. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۶۸)، «رابطه قرآن با علوم بشری»، کیهان اندیشه، ش ۲۸، ص ۴۸-۵۹.
۳۳. مصباح‌یزدی، محمدتقی (مصاحبه) (۱۳۷۲)، «سلسله گفت و شنودهایی در مورد مباحث بنیادی علوم انسانی»، مصباح، س ۲، ش ۸، ص ۹-۲۴.
۳۴. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶)، مباحثی درباره حوزه (مجموعه سخنرانی‌ها)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۵. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷)، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، ج ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۶. معرفت، محمدهادی و محمود رجبی (مصاحبه) (۱۳۷۲)، «قلمرو معارف قرآن و ارزش فهم ما از قرآن»، معرفت، ش ۶، ص ۵-۱۱.

۳۷. مکارم، ناصر (مصاحبه) (۱۳۷۲)، «قلمرو معارف قرآن و ارزش فهم ما از قرآن»، معرفت، ش ۶، ص ۵-۱۱.
۳۸. مهدوی، سیدمحمدصادق و حسین بستان (نجفی) (۱۳۹۱)، «مبانی روش‌شناختی نظریه‌سازی در جامع‌شناسی اسلامی»، روش‌شناسی علوم انسانی، س ۱۸، ش ۷۱، ص ۶۹-۹۸.
۳۹. وایت، رابرت و فیونا هینز (۱۳۹۰)، جرم و جرم‌شناسی: متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی (مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی: کتاب ۲). ترجمه علی سلیمی، چ ۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
47. Downes, David; Paul Rock (1998), *UNDERSTANDING DEVIANCE: A GUIDE TO SOCIOLOGY OF CRIME AND RULE BREAKING*. (3rd ed.). Oxford University Press.
48. Forman, Jane, Laura Damschroder (2008), 'Qualitative Content Analysis'. in Robert Baker and Wayne Shelton (eds.). *EMPERICAL METHODS FOR BIOETHICS: A PRIMER* (Advances in Bioethics 11). Oxford, Linacre House, Jordan Hill. pp. 39-62.
49. Krippendorff, Klaus H. (2004), *CONTENT ANALYSIS: AN INTRODUCTION TO ITS METHODOLOGY*. Thousand Oaks, Calif, Sage Publications, Inc.
50. White, Marilyn D., Emily E. Marsh (2006), "*CONTENT ANALYSIS: A FLEXIBLE METHODOLOGY*". *Library Trends* (55-1). PP. 22-45.
51. Wrightsman, L. S., M. T. Nietzel & W. H. Fortune (1998), *PSYCHOLOGY AND THE LEGAL SYSTEM*. (4th ed.). U.S.A.: Broks/Cole Publishing Company.